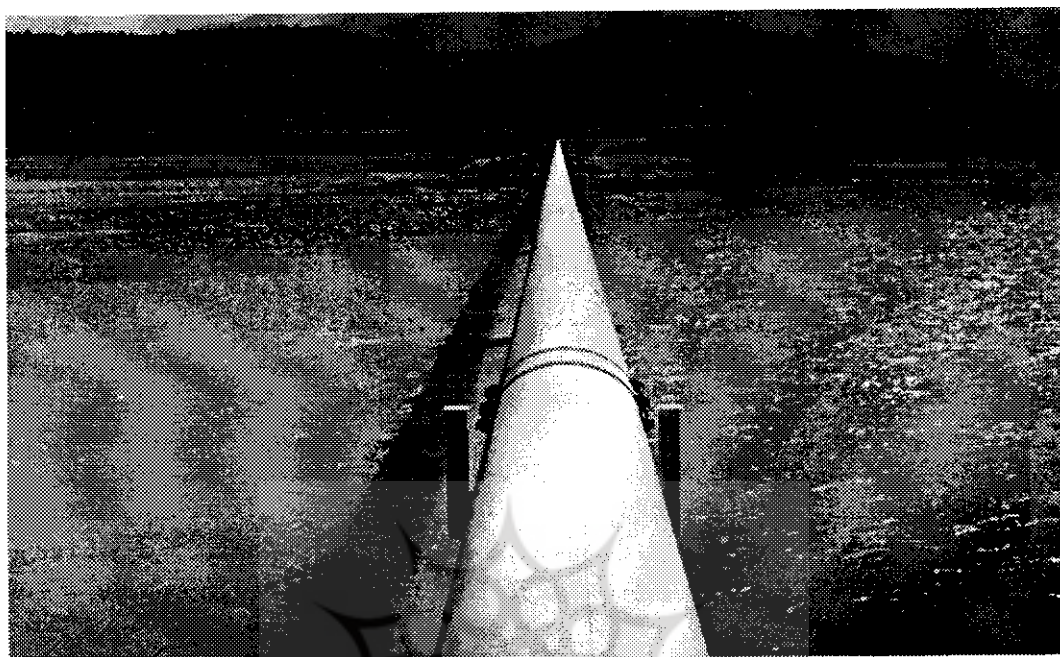


تجربیات گذشته، چشم‌اندازهای آینده در آسیای مرکزی و قفقاز



گزارش هشتمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز، خردادماه ۱۳۷۹

فرهاد محمدی

منطقه استراتژیک آسیای مرکزی و قفقاز، به دلیل منابع فنی طبیعی از جمله منابع نفت و گاز دریای خزر، با چالش‌های جدی و متعددی مواجه است. وجود منابع غنی انرژی و مشکلات ناشی از عرضه آن در بازارهای جهانی، فقدان نظام حقوقی واحد و معضلات برخاسته از آن، مانند نظامی‌گری در منطقه، معضلات زیست‌محیطی و بزرگنمایی شرکت‌های بزرگ غربی در خصوص منابع نفت و گاز منطقه و ایجاد در رقابت منفی، از جمله مسایل پیش‌روی کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی و قفقاز است.

دریای خزر تنها مجموعه آبی جهان است که دو نوع منبع انرژی، یعنی نفت و گاز را در خود جای داده است. این ویژگی به موازات مشکلات اقتصادی جمهوری‌های حاشیه‌ای و نیازهای این کشورها از یک سو اهداف و سیاست‌های استیلاجویانه کشورهای فرامنطقه‌ای و شرکت‌های سودجوی غربی از سوی دیگر، منطقه را با تعدیلات جدی زیست‌محیطی و امنیتی روبرو کرده است. چشم‌پوشی از آسیب‌های زیست‌محیطی و حضور رقابت‌آمیز بیگانگان در منطقه، عواقب ناگواری برای کشورهای منطقه و به تبع آن کل جهان، خواهد داشت.

بزرگنمایی شرکت‌های غربی در خصوص منابع انرژی منطقه با هدف ایجاد منافع برای خود و به تبع آن توجیه حضور نظامی در منطقه، حفاری‌های خارج از قاعده و تخریب‌های زیست‌محیطی و در نهایت وابسته‌سازی جمهوری‌های راهبردی منطقه به کشورهای سلطه‌جو صورت می‌گیرد. در این شرایط به اعتقاد صاحب‌نظران، کشورهای منطقه برای جلوگیری از آسیب‌های جدی امنیتی و زیست‌محیطی، باید تأمین منافع اقتصادی ملی و منطقه‌ای را مبنای تصمیم‌گیری خود قرار دهند. افزایش همگرایی منطقه‌ای و نهادینه شدن همکاری‌ها در چارچوب سازمان‌های منطقه‌ای و همکاری‌های دوجانبه و چند جانبه، ضمن ایجاد تناسب بین محیط زیست، توسعه و تکنولوژی، راهکار اطمینان بخشی نیز برای امنیت ثبات و توسعه همه جانبه کشورهای منطقه محسوب می‌شود.

هشتمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز با عنوان «تجربیات گذشته، چشم‌اندازهای آینده» به همت دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه در روزهای ۲۲ و ۲۳ خردادماه سال جاری در تهران برگزار شد.

طی دو روز برپایی این همایش کارشناسان، محققان و صاحب‌نظرانی از کشورهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، کشورهای اروپایی و آمریکا، نیز داخلی و همچنین بعضی مقامات مسئول کشورهای این منطقه و ایران در آن حضور داشتند، جلساتی با عناوین اقتصاد و انرژی، سیاست و امنیت، فرهنگ و اجتماع، روابط منطقه‌ای و بین‌المللی و صلح، دوستی و همکاری منطقه‌ای برگزار شد. در هر یک از جلسات، سخنرانان مقالات خود را ارائه کرده و در پایان جلسات به سؤالات حاضران پاسخ گفتند. در جلسه افتتاحیه، پیام ریاست جمهوری اسلامی ایران قرائت شد و پس از آن دکتر کمال خرازی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران به ایراد سخنانی پرداخت. در این گزارش ضمن اشاره به اهم مطالب سخنرانان جلسه افتتاحیه به مسائل طرح شده در جلسه اول این همایش با عنوان «اقتصاد و انرژی» خواهیم پرداخت.

تقویت پیوندها و همکاری، گامی مؤثر برای مقابله با چالش‌های منطقه

در پیام رئیس جمهوری به همایش آمده است، تاریخ و فرهنگ مشترک ملل ساکن در آسیای مرکزی و قفقاز، ایران و آسیای صغیر سرمایه‌ای ارزشمند است که نباید آن را فدای مسایلی روزمره و گذرا کرد.

در بخش دیگری از این پیام آمده بود، این سرمایه‌های مشترک مادی و معنوی، امروزه نیز می‌توانند مبنای مناسبی برای تفکر و عمل مشترک قرار گیرند. براساس چنین نگرشی، جمهوری اسلامی ایران به منظور کمک به رونق اقتصادی بیشتر منطقه، اقدام به تکمیل «جاده ابریشم» و پیوند آن با خلیج فارس و آسیای صغیر کرد. استفاده مؤثر از این شاهراه تجاری و همچنین انتخاب صحیح مسیر انتقال انرژی به بازارهای جهانی، می‌تواند موجبات رفاه و رونق اقتصادی را برای منطقه فراهم آورد.

در پیام ایشان همچنین آمده است، در دنیای وابستگی و تأثیرگذاری متقابل، رونق و رفاه و ثبات و بی‌ثباتی هر کشور بر کشورهای همجوار

نیز تأثیر می‌گذارد. لذا جمهوری اسلامی ایران معتقد است که کشورهای منطقه باید در انتخاب مسیر انتقال کالا و انرژی به جای مدنظر قرار دادن منافع سیاسی کشورهای دیگر، تأمین منابع اقتصادی ملی و منطقه‌ای را مبنای تصمیم‌گیری قرار دهند. منابع حیاتی دریای خزر و کل منطقه در صورتی می‌تواند صرف توسعه و رفاه ملل گردد که منافع منطقه‌ای فرامنطقه‌ای اولویت یابد.

ایشان یادآور شده بود، مسائل آسیای مرکزی و قفقاز تنها به موضوع انتقال انرژی محدود نمی‌شود. ما امروزه بیش از پیش به همکاری و همکاری برای مقابله با چالش‌های رویاری جوامع منطقه، به ویژه مشکلات زیست‌محیطی، قاچاق مواد مخدر و جنایات سازمان یافته نیاز داریم.

دکتر کمال خرازی، وزیر امور خارجه نیز در سخنرانی خود در این همایش، به سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز اشاره کرد و گفت، در یک دهه گذشته، سیاست منطقه‌ای ایران بر تلاش برای تحقق صلح و ثبات و زمینه‌سازی برای توسعه پایدار که نیاز همگی کشورهای این منطقه می‌باشد، متمرکز بوده است.

وی افزود، در حال حاضر با توجه به روند اجتناب‌ناپذیر جهانی شدن، جمهوری اسلامی معتقد است که آسیای مرکزی و قفقاز نیز همچون سایر مناطق باید به منظور استفاده از فرصت‌ها و مقابله با چالش‌های رویاری منطقه به سمت نهادینه ساختن بیشتر همکاری‌های منطقه‌ای حرکت نماید. امروزه حضور مؤثر کشورها در اقتصاد جهانی مستلزم داشتن یک اقتصاد قوی و سالم و پررونق می‌باشد. بر همین اساس، گسترش پیوندها و ارتباطات نهادینه شده و قانونمند میان اقتصادهای منطقه به منظور شکل دادن به یک بازار تجارت، مصرف و سرمایه‌گذاری وسیع یک ضرورت به شمار می‌رود.

وی خاطر نشان کرد، جمهوری اسلامی ایران معتقد است که اولویت دادن به منافع سیاسی قدرت‌های فرامنطقه‌ای به ویژه در زمینه مسائل اقتصادی و انرژی اشتباهی فاحش خواهد بود، چرا که قدرت‌های فرامنطقه‌ای تنها به منافع کوتاه مدت خود می‌اندیشند، در حالی که منافع منطقه‌ای ابدی است و به همین دلیل باید در رأس اولویت‌ها قرار گیرد. اگر منافع اقتصادی و سیاسی ملی و منطقه‌ای را در اولویت قرار دهیم، جمهوری اسلامی ایران بهترین مسیر برای عبور

خطوط انتقال کالا و انرژی به ترکیه و خلیج فارس می‌باشد.

وی گفت، به اعتقاد اکثر کارشناسان مسیر ایران کوتاه‌ترین، ارزان‌ترین و امن‌ترین مسیر برای انتقال انرژی آسیای مرکزی و قفقاز به بازارهای غرب و شرق و جنوب (آفریقا) به شمار می‌رود. علاوه بر کوتاهی مسیر، در هیچ یک از کشورهای منطقه به اندازه ایران تأسیسات، فن‌آوری و تجربیات مرتبط با انتقال، بازرگانی و صدور نفت وجود ندارد. در واقع جمهوری اسلامی ایران می‌تواند بازار مناسبی را برای فرآورده‌های نفتی این کشورها از طریق خطوط لوله موجود در ایران فراهم آورد.

وزیر امور خارجه همچنین گفت، یکی دیگر از مسائل مهم منطقه، مسئله تعیین رژیم حقوقی دریای خزر می‌باشد. در این خصوص جمهوری اسلامی ایران معتقد است که رژیم حقوقی این دریا باید با همکاری و توافق کشورهای ساحلی و اولویت دادن به منافع منطقه‌ای و بدون مداخله کشورهای فرامنطقه‌ای تعیین گردد. تسجارب تسلیخ کشمکش‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای بر سر منابع انرژی در خاورمیانه و مداخلات متعدد آنها در امور داخلی کشورهای این منطقه در طول قرن بیستم، سناریوی خطرناکی است که کشورهای منطقه باید با نشان دادن اراده مستقل خود و توجه به منافع مردم منطقه از تکرار آن جلوگیری نمایند.

دکتر نرسی قربان، کارشناس اقتصاد انرژی در سخنرانی خود در جلسه اقتصاد و انرژی با عنوان «ایران و اقتصاد نفت و گاز دریای خزر» گفت، ذخایر نفت خام دریای خزر حدود ۱۵ میلیارد بشکه است و مقادیر گاز نیز بسیار کمتر از مقادیر مباله‌آمیز اعلام شده قبلی است و این دریا همانند خلیج فارس دارای منابع هیدروکربوری کافی نمی‌باشد.

وی در مورد صادرات منطقه خزر متذکر شد، در مجموع پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۱۰ میلادی، این منطقه بتواند حداکثر ۲ تا ۲/۵ میلیون بشکه در روز صادرات داشته باشد.

وی در مورد مسیرهای انتقال نفت این منطقه نیز افزود، خط لوله CPC با ظرفیت ۱/۳ میلیون بشکه در روز، باکو-سوپسا با ظرفیت ۴۰۰ هزار بشکه در روز، باکو-سوپسا با ظرفیت ۴۰۰ هزار بشکه در روز، باکو-جیحان و نکا تهران با ظرفیت ۴۰۰ هزار بشکه در روز از مسیرهای مطرح برای انتقال نفت خام می‌باشند.

اما کارشناسان معتقدند که در مسیر باکو-جیحان، نفت به میزان پیش‌بینی شده برای انتقال وجود نخواهد داشت. مسیر زیرستر دریا نیز مسیر قابل بحث دیگر این منطقه است که در حال بررسی است. مسیر باکو-جیحان وقتی به صرفه خواهد بود که نفت برای انتقال از این مسیر وجود داشته باشد و چنانچه مسیرهای دیگری قبل از این مسیر به بهره‌برداری برسند، این مسیر عملاً کارایی نخواهد داشت.

وی همچنین اظهار کرد، باید توجه داشت که ایران برای منابع هیدروکربوری نه وسیله انتقال بلکه یک منطقه خزر بازار است و این سوء تفاهمی است که ایران را به عنوان یک خط ترانزیت با مسیرهای دیگری مقایسه می‌کنند. ایران می‌تواند حدود ۷۰۰ هزار بشکه نفت در روز برای مصرف داخلی یا تحویل در خلیج فارس به صورت تمویض (سوپ) جذب کند و بدین ترتیب مطرح کردن مسئله امنیت انتقال منابع، جایی برای طرح ندارد. زیرا بازار ایران امن‌ترین محل است و اگر کسی باید نگران عرضه نفت باشد، ایران است. در عین حال، ما همچنین می‌توانیم روزانه ۴۰ میلیون متر مکعب گاز دریای خزر را نیز جذب کنیم.

وی در پایان گفت، اهداف ایران در مورد خط لوله خزر هم جنبه تجاری دارد و هم جنبه استراتژیک. اما تحریم‌های اقتصادی علیه ایران موجب شده است که ایران نتواند به بعضی از اهداف خود برسد و این امر مانع از آن شده است که کشورهای حاشیه خزر به بهترین قیمت نفت برای انتقال دست یابند. ایران وضعیت و ظرفیتی را به وجود آورده است که همه بتوانند منافع رایبه دست آورند و تمهیدات صادراتی ایران به گونه‌ای خواهد بود که کمترین هزینه را دربر داشته باشد.

دکتر توماس استافر، مشاور بین‌المللی مسائل نفتی و استاد دانشگاه هاروارد آمریکا نیز در سخنان خود با عنوان «ابعاد اقتصادی خطوط انتقال انرژی از دریای خزر» گفت، هنوز دقیقاً مشخص نیست که نفت قابل توجهی در حوزه خزر وجود داشته باشد. در حالی که وزارت امور خارجه آمریکا به این موضوع معتقد است، اما وزارت خارجه آمریکا منبع موثقی در این خصوص نیست. اما آنچه روشن است، این است که کشورهای آسیای مرکزی محصور در خشکی هستند و باید بتوانند به دریاها یا آزاد دسترسی داشته باشند.

در مجموع برای اینکه نفت از کشورهای محصور در خشکی از طریق جنوب به بازارهایی برود که قدرت خرید آن را دارند، دو راه وجود

سخنران بعدی این جلسه اسلام نظراف، رئیس مرکز تکنولوژی اجتماعی از آذربایجان بود که در سخنان خود با عنوان «دریای خزر: رویکردهای جدید به مشکلات قدیمی» گفت، در مورد دریای خزر و مسائل مختلف آن تاکنون تحقیقات بسیار زیادی انجام شده است و نیاز به آن است که مؤسسات و مراکز تحقیقاتی ارتباط بیشتری با یکدیگر داشته باشند.

وی در مورد مشکلات کشورهای حاشیه دریای خزر گفت، اولین مشکل مسائل حقوقی دریای خزر است که در زمینه تقسیم امکانات آن ایجاد مشکل کرده است و این مشکل در آینده باید حل شود. به علاوه، بررسی روندها نشان می‌دهد که کشورهای منطقه نتوانسته‌اند هنوز بعضی از مسائل قومی را با یکدیگر حل کنند. لازم است از جمله با نظارت سازمان ملل، کنوانسیون‌هایی بین‌المللی در مورد دریای خزر تنظیم شود که برای کشورها لازم‌الاجرا باشد. مبنای این کنوانسیون‌ها می‌تواند بر پایه تحقیقات متخصصان استوار باشد.

وی در پایان سخنان خود، خواستار نجات سکنه حاشیه دریای خزر شد و گفت، این کار مربوط به همه ساکنان این منطقه است و برای آن، انگیزه و اراده قوی مورد نیاز است. زیرا عوامل مربوط به کشورهای حاشیه خزر کاملاً انحصاری و اختصاصی است و برای رفع مشکلات از همه جوانب باید مورد توجه و بررسی کارشناسانه قرار گیرد.

گیری گیش پانت، استاد دانشگاه جواهر لعل نهرو از هند نیز در سخنان خود با عنوان «جهانی شدن و دوران گذار اقتصادی در آسیای مرکزی و قفقاز» گفت، در فرآیند جهانی شدن، کشوری بی‌طرف و بدون موضع در جهان به چشم نمی‌خورد، بنابراین در اقتصاد منطقه‌ای نیز این فرآیند تأثیر گذاشته است. در این منطقه نیز با توجه به جهانی شدن باید تمام جوانب را در نظر بگیریم تا بتوانیم جهانی شدن موفق را پایه‌گذاری کنیم. این امر در جوامعی مانند هند اثرات زیادی گذاشته است. مشکلات جوامع در مسیر خطوط لوله انتقال منابع هیدروکربوری نیز اثرات زیادی را داشته است، لذا باید این مشکلات و حل منطقی آنها جدی گرفته شود.

وی افزود، در مورد تولید نفت و گاز نیز مسئله جهانی شدن مهم و تأثیرگذار است و در کشورهای پیشرفته نیز این مسئله مورد توجه بوده است. در مورد مسایل اقتصادی آسیای مرکزی سهم گاز و نفت قابل توجه است و اثرات

باید توجه داشت که ایران برای منابع هیدروکربوری نه وسیله انتقال بلکه یک بازار است

دارد. یکی اینکه طول خطوط لوله اضافی را تسدیجاً افزایش دهیم، و راه دوم، توسعه معاملات تمویضی (سوپ) نفت‌خام است که نفت خزر را بتوان در خلیج فارس به خریداران ارائه کرد و این کار ساده و آسان و به راحتی قابل انجام است. در مورد صادرات گاز خزر نیز، وضعیت مشابه صادرات نفت است. البته هزینه انتقال گاز در مسیر طولانی بیشتر از نفت است و مشکلاتی نیز برای آن وجود دارد. از جمله برای عرضه آن، باید بازار مصرف به اندازه کافی طولانی و وسیع باشد که برای احداث لوله توجیه اقتصادی وجود داشته باشد.

وی با اشاره به راه‌های غربی انتقال نفت خزر یادآور شد، به لحاظ هزینه، این خطوط صرفه اقتصادی ندارد. در این مورد، مسیر ایران نیز مطرح است. که از وضعیت مناسبتری برای انتقال منابع هیدروکربوری برخوردار است.

وی افزود، مطالعات امکان‌سنجی خطوط لوله بسیار دشوار است. اگر خطوط لوله را مرحله به مرحله ایجاد کنیم، خطرپذیری آن کاهش می‌یابد. مسئله دیگر این است که چقدر می‌تواند گاز تحویل بشود و چه مقدار مورد نیاز بازارهای مورد نظر است. مسئله رقابت قیمت بازار مصرف نیز برای دارندگان ذخایر مهم است. طول مسیر و تعداد کشورها و مسائل سیاسی امنیتی برای خریدار و عرضه‌کننده نیز مهم است. امن‌ترین خط لوله آن است که عرضه‌کننده را مستقیماً به خریدار ارتباط دهد و بالاخره نکته قابل توجه دیگر این است که میدان مورد بهره‌برداری توسعه یافته است یا خیر؟ اگر توسعه یافته باشد، بیشتر قابل توجه خریداران قرار می‌گیرد. این مسائل از جمله مسائل بسیار مهمی است که باید در مطالعات امکان‌سنجی مورد بررسی دقیق قرار گیرند.

راهبردی در صنعت آنها گذاشته است. از طرف دیگر اقتصاد این کشورها با مسائل امنیتی نیز در ارتباط است.

اما تکیه بیش از حد این کشورها به منابع نفت و گاز در اقتصادشان قابل توجه است. چون این کشورها به دریای آزاد مستقیماً راه ندارد، بنابراین توسعه این کشورها به کندی صورت می‌گیرد و به سرمایه‌گذاری بیشتری برای رشد و توسعه خود نیاز دارند. اگر بخواهیم با روند جهانی شدن پیش برویم، باید مسائل مختلفی را مدنظر قرار دهیم و آنچه را که می‌تواند در این میان نقش منفی داشته باشد باید به حداقل برسانیم تا بتوانیم از این امر بهره‌برداری لازم را داشته باشیم.

دکتر محمد حسن فولادی، مدیر فنی برنامه درازمدت کشور نیز به عنوان آخرین سخنران این جلسه در سخنان خود با عنوان «موقعیت جغرافیایی ایران و زمینه‌های همکاری‌های اقتصادی» گفت، آنچه در روند جهانی شدن مطرح است این است که اهمیت جغرافیایی در این روند نقش بیشتری خواهد داشت یا خیر؟ البته بحث‌های زیادی در این زمینه مطرح است. از ویژگی‌های عمده‌ای که در چشم‌انداز جهانی شدن و اثراتی که روی ساختارهای اقتصادی دارد، سه ویژگی را می‌توان برشمرد. اول متحد شدن نگاه‌های کوچک و متوسط برای تطبیق و تشخیص بهتر وضعیت و تعیین هدف و جهت‌یابی برای به‌کارگیری منابع مالی و به‌کارگیری فن‌آوری‌های نوین که به طور طبیعی این روند نوعی تبعات مکانی و جغرافیایی خاص را به همراه خواهد داشت و اثرات آمایش را بر منطقه خواهد گذاشت. روند دوم، همبستگی راهبردی بین شرکت‌های چند ملیتی است که در این زمینه، ادغام‌هایی را برای کارایی بیشتر در پیش گرفته‌اند. روند سوم شامل ترکیبی از شرکت‌های چند ملیتی با شرکای محلی است.

اگر با این روندها به تأثیرات جغرافیایی و مکانی توجه کنیم مشخص می‌شود که انقلاب ارتباطی مفهوم فاصله را از بین برده و نوعی مرکزیت جدید را مطرح می‌کند و کانون‌های رشد جدیدی شکل می‌گیرد که اینها متناسب با شرایط پیش‌نیازهای پیش‌روی اقتصاد جهانی هستند و قطعاً تفاوت بسیار زیادی با شرایط اقتصاد کلاسیک دارد. مثلاً قطب‌های رشدی که قبلاً می‌شناختیم در آینده تغییر شکل خواهد یافت و بعضاً با قطب‌های فعلی مرتبط خواهد بود و بعضی کانون‌های جدید شکل

خواهند گرفت که بستگی به توانمندی کانون‌ها دارد.

یک اثر کلی که این روند (جهانی شدن) بر جغرافیا می‌گذارد، این است که وقتی در جهانی شدن اقتصاد عمده شود، عامل جغرافیا نیز عمده خواهد شد، حتی مسئله مکان در مقولاتی که در آن زمان مطرح است و اهمیت دارد نیز قابل توجه است و گسترش حمل و نقل باعث می‌شود که در آینده اثر آن را در اقتصاد واضعتر و مؤثرتر ببینیم.

وی سپس به بحث اثرات جهانی شدن در منطقه آسیای مرکزی پرداخت و گفت، در آسیای مرکزی و قفقاز، اقتصاد کشورها به صورت قطعات از هم جدا شده است که یک ساختار قدیمی، در گذار به شرایط جدید به دنبال مکمل‌های خارجی هستند. دومین ویژگی‌های آنها این است که محصور در خشکی هستند و برای فعال شدن در اقتصاد بین‌الملل، عامل جغرافیا، مکان و دستیابی‌ها اهمیت زیادی پیدا می‌کند. اگر نگاه گسترده‌تری به این منطقه داشته باشیم، می‌بینیم که این منطقه دارای یک ویژگی استثنایی است و در واقع دارای مرکزیتی بین سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا است. در این منطقه نزدیک به ۵۰۰ میلیون جمعیت وجود دارد و تا سال ۲۰۲۰ میلادی این جمعیت به ۷۰۰ میلیون نفر خواهد رسید و معنای آن این است که این منطقه در بزرگترین بازار مرکزی جهان قرار گرفته که ویژگی‌های خاصی را به آن می‌بخشد. در این بین در بحث جهانی شدن، موضوع جغرافیا، اقتصاد و اهمیت فضاها مرکزی به حدی است که برای تسریع در فرآیند جهانی شدن، این مناطق نقش ویژه‌ای را دارا هستند.

وی افزود ایران برای تأمین دسترسی‌های قفقاز به کشورهای شرقی همسایه ایران و همین‌طور برای تأمین دسترسی به آسیای مرکزی به ترکیه و عراق و دسترسی آسیای مرکزی و قفقاز به خلیج فارس و بالاخره دسترسی آنها به آفریقا یک مکان ویژه در بحث تحولات اقتصادی منطقه خواهد بود. از طرفی با توجه به اینکه حمل و نقل دریایی نقش عمده و اول در دهه‌های آینده در حمل و نقل جهانی خواهد داشت دسترسی به آب‌های آزاد دارای اهمیت بیشتری خواهد شد و اگر در قرن گذشته این مسئله یک آرزو در منطقه بود، هم‌اکنون قطعاً یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای کشورهای منطقه در پیدا کردن موقعیت اقتصادی خود در جهان آینده خواهد بود. این موقعیت این امکان را به وجود آورد که سواحل جنوبی ایران آستانه‌های دسترسی برای کشورهای آسیای

مرکزی و قفقاز باشد و مستقیماً برای مشارکت‌های اقتصادی سواحل دریای خزر امکان دسترسی کشورهای شبه‌جزیره عربستان را به آسیای مرکزی فراهم آورد. بنابراین ایران را باید به عنوان پسی برای توسعه همکاری‌های اقتصادی در منطقه به حساب آورد و بدون تردید این منطقه از استراتژیک‌ترین مناطق در آینده جهان خواهد بود. از طرفی با توجه به ذخایر انرژی فسیلی و وابستگی جهان به این منابع، امکان توسعه اقتصادی منطقه بیش از پیش می‌تواند فراهم شود.

جمع بندی

منطقه آسیای مرکزی و قفقاز برای رویارویی مؤثر با روند جهانی شدن اقتصاد و مقابله با چالش‌های آن و استفاده از فرصت‌های موجود، توجه خود را به طور منطقی به نهادینه ساختن بیشتر همکاری‌های منطقه‌ای معطوف خواهد کرد. امروزه حضور مؤثر این کشورها در اقتصاد جهانی مستلزم داشتن یک اقتصاد قوی و سالم و پررونق است. بر این اساس گسترش پیوندها و ارتباطات نهادینه شده به منظور شکل دادن به بازار تجاری منطقه به صورت یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر درآمده است. وجود منابع هیدروکربوری و وابستگی کشورهای حاشیه خزر به این منابع برای تأمین نیازهای اقتصادی و نیاز به سرمایه‌گذاری خارجی موجب رقابت شدیدی میان شرکت‌های نفت و گاز در انعقاد قراردادهایی جهت استفاده از این امکان بالقوه شده است. همچنین رقابتی شدید میان کشورهای منطقه بر سر تعیین مسیرهای صادراتی برای صدور این ذخایر به بازارهای جهانی به وجود آمده است. در این بین مسئله تعیین رژیم حقوقی خزر که مورد قبول تمامی کشورهای حاشیه دریای خزر می‌باشد، هنوز به نتیجه نرسیده است. وجود بازار گسترده و بالقوه در این منطقه ایجاب می‌کند که کشورهای این منطقه به دور از فشارهای قدرتهای فرامنطقه‌ای که تنها به منافع کوتاه‌مدت خود می‌اندیشند، با همه‌جانبه‌نگری تأمین منافع منطقه‌ای خود را در رأس اولویتهای خود قرار دهند.

بدون تردید نشست‌هایی از این قبیل در کشورهای منطقه و توجه دولت‌ها به نظرات اندیشمندان، صاحب‌نظران و کارشناسان می‌تواند در یافتن راهکارهای عملی، مناسب و مؤثر جهت نهادینه شدن همکاری‌ها، نقش بسزایی ایفا کرده و رشد و توسعه اقتصادی معقول منطقه را به همراه داشته باشد.